

از سون و شیت تا سرود آتش

(تحلیلی بر داستان سواوش)

ویژه دانشجویان کارشناسی ارشد و عموم

دکتر سیده پیری

۱۳۹۳

سرشناسه: سپهری، سپیده
عنوان و پدیدآور: از سوگ عشق تا سرود آتش (تحلیلی بر داستان سیاوش) / سپیده سپهری
شخصیات نشر: تهران، سنجش روز، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۲۵۳ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۷۷-۰۳-۶
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۱۵۱۹۵

از سوگ عشق تا سرود آتش

عنوان کتاب: از سوگ عشق تا سرود آتش
ناشر: سنجش روز
پدیدآورنده: سپیده سپهری
مدیر هنری و طراح جلد: ناصر نصیری
صفحه آرا: سیده فاطمه احدی
چاپخانه: آرمانسا
نوبت چاپ: اول ۹۳
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۷۷-۰۳-۶
قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

مرکز بخش: انتشارات رجاء

آدرس: تهران، میدان انقلاب اسلامی، خیابان ۱۲ فروردین - نبش شهدای زاندارمیری - فروشگاه دانش برتر

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	داستان سیاوش
۱۶	آغاز داستان
۱۸	زادن سیاوش
۲۲	شیفتن سودا به سیاوش
۳۷	گذشتن سیاوش به آتش
۴۲	آگاهی یافتن کاوش سه از آتش افراسیاب به ایران
۴۷	نامه نبشتن سیاوش به نزدیک کاوش
۴۹	خواب دیدن افراسیاب و هراسیدن
۵۴	فرستادن افراسیاب گرسیوز را به نزدیک سیاوش
۶۰	نامه نبشتن سیاوش به نزدیک کاوس
۶۳	پاسخ نامه‌ی سیاوش از کاوس
۶۸	فرستادن سیاوش زنگه‌ی شاوران را به نزدیک افراسیاب
۷۱	پاسخ افراسیاب به نامه‌ی سیاوش
۷۴	رفتن سیاوش از ایران به ترکستان
۷۸	دیدن سیاوش افراسیاب را
۸۰	هنر نمودن سیاوش پیش افراسیاب
۸۴	رفتن افراسیاب و سیاوش به شکار
۸۵	به زنی دادن پیران جریره را به سیاوش
۸۶	سخن گفتن پیران با سیاوش از فرنگیس
۸۸	سخن گفتن پیران با افراسیاب
۹۰	پیوند کردن سیاوش با افراسیاب
۹۶	پی افکندن سیاوش سیاوش گرد را
۱۰۱	رفتن گرسیوز به سیاوشگر
۱۰۳	هنر نمودن سیاوش پیش گرسیوز

فهرست

۱۰۶	بازگشت گرسبوز و بدگویی از سیاوش نزد افراسیاب
۱۱۰	باز آمدن گرسبوز به نزد سیاوش
۱۱۵	نامه بستن سبزش به افراسیاب
۱۱۸	باز آمدن سیاوش
۱۱۹	بازگشت سیاوش به سرزمینها را
۱۲۱	گرفتار شدن سبزش
۱۲۶	کشته شدن سیاوش به دست سبزش
۱۳۲	فصل اول: خلاصه‌ی داستان سیاوش
۱۳۴	فصل دوم: آیین‌ها و آداب کهن ایرانستان
۱۳۴	۱- آیین تشخیص گناهکاران و خطاکاران
۱۳۵	۲- آیین باده‌نوشی
۱۳۶	۳- آیین سوگواری
۱۳۷	۴- آیین شکار کردن
۱۳۸	۵- آیین نامه نگاری
۱۴۱	فصل سوم: آرکی تایپ (کهن الگو) در ادبیات فارسی و -
۱۴۲	- منشأ آرکی تایپ
۱۴۴	- پسرکشی
۱۴۷	فصل چهارم: تحلیل داستان سیاوش از دیدگاه اسطوره‌ای
۱۵۳	- سیاوش در آیین‌ها
۱۵۴	- سیاوش به عنوان نخستین انسان
۱۵۵	- سیاوش در اوستا
۱۵۶	- سیاوش در متون پهلوی
۱۵۶	- اسطوره‌ی گذار از آتش
۱۵۷	- آزمون آتش در شاهنامه وراماین
۱۵۷	- معرفی وراماین

فهرست

۱۵۹	- گذر از آتش در ادب فارسی
۱۶۴	فصل پنجم: کشمکش در داستان سیاوش
۱۶۵	انواع کشمکش در داستان سیاوش
۱۶۵	۱- کشمکش ذهنی
۱۶۶	۲- کشمکش درونی (فکری)
۱۷۵	۳- کشمکش گفتاری (لفظی)
۱۷۷	۴- کشمکش اجتماعی
۱۷۸	۵- کشمکش جسمانی
۱۷۹	۷- کشمکش انسان با سرنوشت و نیروهای سماوی
۱۷۹	نتیجه گیری
۱۸۲	فصل ششم: تحلیل داستان سیاوش از دیدگاه نمایشی سینمایی
۱۸۳	- شاهنامه و جنبه های سینمایی آن
۱۸۵	- تحلیل داستان سیاوش از دیدگاه نمایشی و سینمایی
۱۸۷	- خواب دیدن سیاوش
۱۸۸	- زیر متن
۱۹۰	- بازگشت به گذشته: Flash Back
۱۹۱	- طرح و زبان و شخصیت ها
۱۹۴	- حالت تعلیق
۱۹۷	فصل هفتم: تحلیل روانی داستان سیاوش با توجه به شخصیت کیکووس
۲۰۳	فصل هشتم: تراژدی داستان سیاوش
۲۰۸	- برخی ویژگی های آثار تراژیک و انطباق آن با داستان سیاوش
۲۱۲	فصل نهم: جایگاه زن در داستان سیاوش
۲۱۴	- مادر سیاوش
۲۱۵	- سودابه
۲۱۷	- جریره

فهرست

۲۱۸	- فرنگیس
۲۲۰	- گاشهر
۲۲۲	فصل مهم: قاسمی داستان یوسف و زلیخا با داستان سیاوش
۲۲۲	رد و ابرو زلیخا هر دو زن
۲۲۴	- دیدار اولین
۲۲۵	- آشکار شدن عشق و احساسات به معشوق
۲۲۷	- آماده کردن خود برای دیدار با معشوق
۲۲۷	- رسوایی در عشق
۲۲۸	- چاره جویی برای اظهار برانگیختگی و مشغول شدن گناهکار
۲۲۹	- سرانجام زلیخا و سودابه
۲۳۰	- بررسی عشق زلیخا و سودابه
۲۳۰	نتیجه گیری
۲۳۲	مفهوم لغات و اصطلاحات به ترتیب حروف الفبا
۲۴۶	فهرست اعلام
۲۵۲	منابع و مأخذ

مقدمه

«در میان حماسه پردازان ایران فردوسی را دیگرم نیست؛ شاهنامه‌ی او تیز تک است و یگانه؛ جادوانه است و جادوانه. این منظومه‌ی جوان، چه می‌آب حیاتی ست که به فردوسی نموده‌اند؛ چون صدای سخن عشق، خوشترین یادگاری است که از او شنیدیم. از هر پستان طنین انداز است و خواهد بود.»

قدمعلی سرامی

نقش مهم ادبیات در فرهنگ‌سازی ما را بر آن می‌دانم تا با آرا و ادب بهتر و بیشتر آشنا شویم. زندگی این قرن دچار یکنواختی کسل کننده‌ای شده و حیات معنوی و روحی در آن به شدت ضعیف شده است. فرهنگ‌های ملی، به خصوص خرده فرهنگ‌ها در - فرهنگ‌های ایران - همواره محدود می‌گردد. در این زندگی، همه‌ی ابنای بشر، هر یک به نوعی، در خود فرو رفته‌اند و فرصت ندارند تا با فکر و اندیشه‌ی منافع مادی بیرون آیند و به زندگی روحی و معنوی بیندیشند و به جلای روح و فکر و اندیشه بپردازند.

باید گفت در این ورطه‌ی هولناک، دنیای غرب بیشتر فرو رفته است و به گفته‌ی دکتر لاهوری «غرب در عالم، خزید و از حق رمید.» اما در عین حال این مسئله هیچ گاه به فرهنگ غرب محدود نشد و به سایر ملل نیز سرایت کرده است و از این روی این خلاء فرهنگی را باید به گونه‌ای پر کرد. یکی از مهمترین این راه‌ها، توجه به ادبیات، به خصوص شاهکارهای ادبی است. شاهکارهایی مانند شاهنامه‌ی فردوسی که نه تنها در میان ایرانیان مشهور است، بلکه شاهکاری جهانی ست و به قول نولدکه آلمانی، شاهنامه یک حماسه‌ی ملی ست که هیچ ملتی نظیر آن را ندارد.

ولی با تأسف بسیار باید گفت در میان ایرانیان و حتی دانش پژوهان ایرانی هم کاملاً شناخته شده نیست؛ این آثار می‌تواند روح خشک و یکنواخت قرن حاضر را طراوت و تازگی بخشد و انسان با خواندن این آثار، از خودی خود بیرون آمده و به چیزی فراتر از خود می‌اندیشد.

از این جهت است که فرهنگ دوستانی مانند دکتر غلامحسین یوسفی، این خلاء را به خوبی احساس کرده و در الهه‌های خود به آن پرداخته است. وی می‌گوید:

«فرقت می‌بینم برخی از فرزندان ما پیش از آنکه با دنیای شاهنامه و پیام انسانی آن آشنا شوند، فریفته‌ی استان‌های تنگ‌فرنگی می‌گردند، به عنوان یک معلّم نمی‌توانم خود را بیخشم».

شاهنامه تنها مجموعه‌ای است که برای زخمی‌ترین اسفندبار، بومی‌ترین سیاوش و دلاویزترین سهراب، و آکاووس، افراسیاب و گشتاسب را تسلیم رنگ‌های خاک دید.

راز ماندگاری شاهنامه را این است: «چون می‌بینیم که با دلاویزی قلم فردوسی، بر پهنی افسانه‌ها، در جستجوی حقیقت خویش را می‌جوئیم، با هم و تور گوشه‌های باریکی از کینه‌توزی ما هستند و سهراب چهره‌ی دیگر ماست که بر این کینه خفته، به دشته‌ی چهل و ناشناختگی، جان می‌سپارد و شاید به این دلیل باشد که برخی شاهنامه را «انسان‌نامه» نامیده‌اند.

گردش رنگین اندیشه‌ی فردوسی، از گودی‌های خاک در دست‌های خیال سفر می‌کند و در این راه نامردترین شغاد در گوشه‌ی خاطر اتمان جامی دهد و خواهی‌نباشی رخ سودابه را در قلم خواسته‌های بی‌آزم و تباه بر بوم شاهنامه می‌کشد.

شاهنامه هم آینه است و هم سنگ محک؛ انبساط عشق را در آن می‌توان دید و تازگی چهره‌ی مرگ را. هستی را که چون گردش روشن آب در حیرتی شاعرانه و پر آزمون راهی به نهاد آدمی می‌ریزد.

شاهنامه منشور چند پهلوی فرهنگ ایرانی است که هر پهلویش جلوه‌ای و رنگی دیگر از سایر پهلوها و در مجموع هماهنگ با هم را می‌تاباند. این اثر حماسی گرانسنگ‌ترین سند هویت ایران است و هیچ اثری نمی‌توان یافت که توانسته باشد در حد و قامت این نامه‌ی نامور، ایرانیان را با هویت، تمدن و فرهنگ پر بار پیشین خود آشنا کرده باشد.

فردوسی، این دانشی مردبخرد، با تمام وجود کوشید در برابر توفان سهمناک یورش تازیانف کمر خم نکند و با سرایش شاهنامه، هم‌زبان شیرین فارسی را از دستبرد زمانه در امان نگه دارد و هم تمدن و فرهنگ و هویت ایرانی را در رگ به رگ اثرش بدمد.

فردوسی با خلق حماسه‌ی عظیم خود، برخورد و مواجهه‌ی فرهنگ ایرانی و اسلام را به بهترین روش عینیت بخشید. با تأمل در شاهنامه و فهم پیش زمینه‌ی فکری ایرانیان و نوع اندیشه و آداب و رسومشان متوجه می‌شویم که ایرانیان همچون زمینی مستعد و حاصل‌خیز آمادگی دریافت دانه و بذر آیین الهی را داشته و خود را استان ایران را توحیدی رفته‌اند.

اهمیت شاهنامه تنها در حیطه ادبی و شعری آن خلاصه نمی‌شود و پیش از آنکه مجموعه‌ای از داستان‌های منظوم باشد، بر ما بارهاست به بیتیت و حرف به حرف آن ریشه در اعماق آرزوها و خواسته‌های جمعی ملتی کهن داستان‌های حماسی نگاهبان راستین سنت‌های ملی و شناسنامه‌ی قوم ایرانی است؛ شاید بدون وجود این اثر، رگ‌بسیاری از عناصر مثبت فرهنگ نیاکان ما در طوفان حوادث تاریخی نابود می‌شد.

یکی از ماندگارترین و تأثیرگذارترین داستان‌های شاهنامه، زردی زیبای سیاوش است که به ویژه از آن جهت که ما را به یاد برخی قصص قرآنی می‌اندازد بسیار جذاب توجه است. این داستان به سبب «عناد فراوان و جذابیت خاص خود، مورد توجه شاهنامه‌پژوهان ایرانی و خارجی بوده است.

قصه سیاوش حماسه‌ی جاوید بشری است؛ اسطوره‌ای است که از خردورزی و پند آرمعزی نصیب می‌برد و رسم سیاوش شدن، سیاوش ماندن و سیاوش گونه مردن را می‌آموزد.

فردوسی در مقدمه‌ی داستان سیاوش و سودابه، از کاراکتر و قهرمان اصلی داستان یعنی سودابه خیر می‌دهد و یادآور می‌شود که این زن به اندیشه‌ی ناخوش خویش دل بسته بود؛ عیب کار خود نمی‌دید و سرانجام کارش به رسوائی کشید. حکیم توس این داستان را به دلیل عدم تسلیم سیاوش در برابر هوس زن پدر خویش، و پیروی او از فرمان عقل، داستانی خردمندانه می‌یابد و او اقرار می‌کند که از سرودن آن لذت برده است.

او داستان سیاوش را پس از فراغت از سرودن رستم و سهراب پرداخته است؛ بیداد تقدیر بر سهراب جوان پیش از این خاطر او را رنجه کرده است؛ ولی این داستان به ظاهر نمودار دادگری تقدیر است که در هیئت تسری قانون مکافات در جهان تجلی کرده است و به همین دلیل فردوسی در آغاز خود را به سرودن آن ترغیب می‌کند و به خود می‌گوید: برای نمایش داد، آن را به زیبایی بسرائی و به دانا عرضه کن که پسند او تو را پسندیده است.

در این داستان است که سرنوشت برای اثبات بی‌گناهی سیاوش آتش انبوه را بر وی گلستان می‌کند و سرانجام به دست رستم انتقام او را از سیاوش می‌گیرد. حتی شهادت این شاهزاده نیز با رستن درختی که برگ‌هایش به تن او می‌بارید، از خون پاک او، حرکتی از سوی تقدیر در اثبات بی‌گناهی اوست. این است که فردوسی این داستان را نمایش داد می‌داند و از بابت زنده کردن مجدّت به خویش می‌بالد و آرزو می‌کند که سمری به یاد تا بازمانده‌ی روایات کهن را نیز به نظم درآورد.

داستان سیاوش در خطبچت اَلَا جَنَگَ میان زشت و زیبا، حسن و قبح، نیک و بد، خیر و شر، عقل و جهل؛ که رستم، سیاوش، پیران، هم‌نکرانشان شاخص‌ترین نمادهای نیکی و خیر و عقل‌اند و افراسیاب، گرسیوز، سودابه و هم‌نظرانشان زشتی و شر و جهل هستند.

تألیف حاضر حاصل تدریس در کلاس‌های کارشناسی ارشد ادبیات است که در طی جلسات متعدد به بعدی از ابعاد این داستان از دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده است.

در این کتاب پس از آوردن اصل داستان مندرج در شاهنامه و بلافاصله مثنوی، در فصل‌های جداگانه به بررسی و تحلیل این تراژدی در زمینه‌های متفاوتی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سینمایی و نمایشی، زنان داستان، مقایسه‌ی آن با قصه‌ی حضرت یوسف پیامبر، اسطوره‌ای، تراژیک و رمانتیک پرداخته شده است.

در پایان باید گفته شود که در رهگذر نگارش این اثر، که بیشتر جهت استفاده‌ی دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، به ویژه در مقطع کارشناسی ارشد، تألیف شده است، آنچه در توان داشتم که یکم منابع پژوهشی معتبری را که می‌شناختم و می‌بافتم، پیش چشم آورم. سطر به سطر آن با باربیکینی، وسواس و سنجیدگی نگاشته شده است. ولی از آنجا که هیچ پدیده و آفریده‌ی انسان به کمال نیست، بلکه در راه کمال است، این اثر نیز از لغزش و کاستی به دور نمانده و پذیرش آن، جز با گذشت و چشم‌پوشی دانشوران و دانش‌پژوهان دست نخواهد داد.